دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال یازدهم/ شماره ۱۸/ پاییز وزمستان ۱۳۹۹

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
Eleventh Year, No.18, Autumn and Winter 2020-21

آشنایی اجمالی با گروه ها و رویکردهای مستشرقان در مواجهه با اسلام و قرآن

□ محمد حسین حجتی *

چکیده

مستشرقان و فعالیت پژوهشی آنان، خصوصا در مواجهه با اسلام و قرآن کریم و اصل پدیده استشراق یکی از مهم ترین پدیده‌های است که همواره در طول فعالیت و حیاتش بر تحولات و تغیرات کشورهای شرقی خصوصا کشورهای اسلامی و سرنوشت شرقیان و مسلمانان تاثیر بسیار مهمی و جدی داشته است و دربرخی از مقاطع تاریخی این تاثیرگذاری تا آن اندازه و در حدی است که زندگی عادی و طبیعی ملل شرقی و امت اسلامی را دگرگون و مختل نموده، مانع و سد بزرگ در پیمودن راه رشد و ترقی این ملت‌ها ایجاد کرده و مسیر زندگی این ملت‌ها و کشورها را تغییر داده است به دلیل اینکه مستشرقان غربی و شرق شناسان با پژوهش‌های وسیع و گسترده شرقی‌شناسی و شناخت کافی و دقیق از زوایا و ابعاد مهم و مختلف زندگی شرقیان و سرزمین-های شرقی و نیز آگاهی و اشراف بر مسائل فرهنگی و شناخت نقاط قوت و ضعف مردمان مشرق زمین و طراحی نقشه‌های دقیق و پیچیده به عنوان پیاده نظام دنیای غرب و مسیحیت در مواجهه با اسلام و قرآن و ترسیم نقشه و راه مبارزه با اسلام و قرآن و شرقیان همانند توپ خانه‌ی آتشین و

*دانش آموخته سطح چهار فقه و اصول، دانشجوی دکتری قرآن وعلوم مدیریت.
ایمیل:mohammadhosainhojjati@yahoo.com

فعال در راستای تسلط و غلبه بر ملل شرقی و مسلمانان و استعمار کشورهای شرقی و اسلامی نقش ایفاء کرده و عمل نموده است.

با توجه به مطلب بالا، شناخت و آشنایی با مستشرقان، گروه ها و رویکردهای شان در مواجهه با شرقیان خصوصا مسلمانان، اهمیت و ضرورت زیادی پیدا میکند که مقاله پیش رو با همین هدف مهم و شناخت اجمالی از گروه ها و نحوه مواجهه مستشرقان با اسلام، قرآن و نیز نحوه برخورد آنان با مسلمانان تدوین شده و برای رسیدن به این هدف از منابع کتابخانه‌ی با روش توصیفی- تحلیلی بهره برده و به این یافته مهم رسیده است که مستشرقان در فعالیت‌های شرق شناسی و پژوهشی دارای هدف واحد نبوده و همین‌طور نحوه مواجهه آنان با قرآن و اسلام و نیزه نحوه تعامل و برخورد آنان با شرقیان و مسلمانان و کشورهای شرقی متناسب با اقتضائات و شرایط موجود حاکم بوده است که در نتیجه می‌توان آنان را در قالب سه دسته مختلف تقسیم بندی نموده و مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار دهیم.

واژگان کلیدی: شرق، مستشرقان، استشراق، اسلام و قرآن.

مقدمه

سخن از استشراق، مسشرقان و دامنه فعالیت آنان، گستره‌ی وسیع دارد که مجال پرداختن به همهٔ ابعاد و زوایای این بحث در یک مقاله وجود ندارد، بنابراین آنچه که در تحقیق پیش رو مورد نظر است، و مقاله حاضر دنبال نموده است دسته بندی مستشرقان به چند گروه و مرور مختصر و نگاه اجمالی درباره آنان و نحوه مواجهه شان با شرقیان و سرزمین‌های شرقی به صورت عام؛ و مواجهه و برخورد آنان با مسلمانان و اسلام و خصوصا کتاب دینی مسلمانان(قرآن کریم) به صورت خاص می‌باشد. که دراین پژوهش تلاش می‌گردد بگونه فهرست وار و اجمالی به آن پرداخته شده و مورد بررسی و تحلیل قرار داده شود.

با مطالعه تاریخ استشراق و مسشرقان روشن می‌گردد که: استشراق و مسشرقان از آغاز پیدایش خود در مواجه با شرقیان، خصوصا اسلام و مسلمانان و کتاب دینی آنان، یعنی قرآن کریم، به چند گروه و دسته، تقسیم می‌شوند که هرکدام شان با رویکردها، اهداف و اغراض

مختلف بوده اند که با یک نگاه اجمالی به گروه‌ها و دسته‌های آنان و نیز ملاحظه رویکردها، اغراض و اهداف آنان و همین‌طور نگاه به تطورات و مراحل تکامل و رشد استشراق و مستشرقان و بررسی اجمالی تاریخ مستشرقان به این مطلب اساسی و نکته مهم می‌رسیم و پی می بریم که همواره مستشرقان و استشراق در طول تاریخ حیات و استمرار شان در مواجه با شرق و اسلام، و مردمان سرزمین‌های شرقی خصوصا مسلمانان و کتاب دینی آنان قرآن کریم دارای هدف و غرض یگانه و واحد نبوده و نمی باشند.

لذا نمی‌توان گفت که به طور کلی همه مستشرقان گروهی واحد و در پی هدف و غرض یگانه بوده اند. بلکه لازم است آنان را در دسته‌ها و گروه‌های مختلف با اهداف و اغراض متفاوت دسته بندی و بررسی نمایم و از این طریق و از این مسیر نحوۀ مواجهه آنان و دسته‌های شان را بشناسیم و با روش‌ها و رویه‌های مختلف و رویکردهای گوناگون آنان که در برابرشرقیان، خصوصا مسلمان در پیش گرفته بودند آشنا شده و همین‌طور نحوه مواجهه شان با کتاب دینی مسلمانان، یعنی قرآن کریم را بشناسیم که به چه شکل در برابر اسلام و قرآن قدعلم نموده و ظاهر شده اند. تا در نتیجه بتوانیم اهداف و اغراض متفاوت شان را درک نمایم و به توطئه های شان پی برده و تدبیر مناسب در برابر آنان در پیش بیگیریم.

1.بخش اول: کلیات و تعاریف

1.1. شرق

شرق /šarq/ مصدر عربی، برآمدن آفتاب، جای برآمدن آفتاب؛ خاور،(جغرافیا) کشورهایی که در مشرق کرۀ زمین هستند. شَرقِ ادنی: خاور نزدیک. شَرقِ اَقصی: خاور دور. شَرقِ اَوسَط: خاورمیانه.(عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۶ش: ج۲، ص۱۴۲). شرق یکی از چهار جهت اصلی در جغرافیا است. که معادل فارسی آن خاور می‌باشد و خاور واژه‌ای پارسی برابر با شرق عربی است. همانگونه که در شاهنامه فردوسی خاور به معنای شرق و باختر به معنای غرب معرفی گشته است که در ابیات دوره اسلامی نیز بر همین منوال و در شاهنامه فردوسی، خاور به معنی شرق و باختر بعنوان غرب بکار رفته است.(آزاد دانش نامه، ویکی پیدیا، کلمه شرق).

شرق. [ش ـ] (اِخ) کنایه از آسیا و آفریقا که در مشرق اروپا قرار دارند. (یادداشت مولف). ممالکی که در مشرق کرهٔ زمین هستند. مجموع کشورهای آسیایی. (معین، فرهنگ فارسی معین، کلمه شرق).

۲,۱. استشراق

واژه استشراق مصدر عربی، به معنی تحقیق در ادبیات و علوم و آداب و رسوم شرقیان و ملت های شرق از طرف دانشمندان غرب است.(عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۶ش: ج۱، ص۱۳۰۱). استشراق یعنی خاور شناسی و شرق شناسی، کلمه استشراق همان ترجمه واژه انگلیسی Orientalism است که غالبا به معنای جهت شرقی به‌کار می‌رود و گاهی ممکن است به معنی مشرق زمین هم استعمال شود. البته در ترجمه اصطلاح Orientalism به شرق شناسی مقدار اندکی مسامحه وجود دارد، زیرا پسوند «al» دلالت بر شناخت اشیایی دارد که متعلق به شرق می‌باشد نه شناخت خود شرق و سرزمین های مشرق، مگر آنکه مفهوم کلمه شرق را اعم از سرزمین و همه‌ی متعلقات آن بدانیم. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۴۳).

۳,۱. مستشرقان

مستشرق یعنی شرق شناس، (اسم، صفت فاعلی) [عربی. فارسی] مستشرق؛ خاورشناس؛ کسی که دانا و آگاه به اوضاع و احوال، زبان‌ها، و آداب و رسوم ملل مشرق‌زمین است.(عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۶ش: ج۲، ص۱۳۰۱). اما مالک بن نبی اندیشمند الجزایری، از متفکران مسلمان در کتاب انتاج المستشرقین در تعریف مستشرقان می گوید: منظور ما از خاورشناسان و مستشرقین نویسندگانی غربی است که از فکر و اندیشه اسلامی سخن گفته و درباره اسلام و تمدن اسلامی قلم زده اند. (مالک بن نبی، انتاج المستشرقین، ۱۳۸۸ق، ۱۹۶۹م: ص۵).

۴،۱. جغرافیا و حوزه معرفتی استشراق

از آن جاییکه در تعریف شرق شناسی اختلافات زیادی وجود دارد و سخت می‌توان برای آن تعریف جامع و مانعی که تمام تعاریف دیگر از استشراق و مستشرقان را پوشش دهد، پیدا کرد، بعضی دیگر از نویسندگان برای معرفی استشراق به محدوده جغرافیایی و حوزه معرفتی استشراق روی آورده و از این طریق خواسته اند تا استشراق و مستشرقین را معرفی نمایند. اما در مورد اینکه محدوده‌ای جغرافیایی و معرفتی استشراق تا کجا است و منظور از شرق که مورد شناسای قرار می‌گیرد کدام محدوده جغرافیایی و معرفتی و سرزمینی است؟ سه نظریه کلی وجود دارد:

۱،۴،۱. کوچک ترین محدوده جغرافیایی و معرفتی

طبق این نظر استشراق یعنی شناخت سرزمین های دو کشور شرقی چین و ژاپن و شرق شناسی و استشراق یعنی آگاهی از اوضاع و احوال مردمان این دو سرزمین مشرق زمین می-باشد.(Oxford. Advanced learner's Dictionary- p818. 1999.). و منظور از محدوده معرفتی استشراق و شرق شناسی نیز همان مطالعه و شناخت اطلاعات جغرافیای و تاریخی شرق و مردمان شرقی مانند: جغرافیای کلی سرزمین‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، معادن، ذخایر، جنگل ها و تاریخ گذشتهٔ آن سرزمین‌ها است.

۲،۴،۱. گسترده ترین محدوده جغرافیایی و معرفتی

طبق این تعریف منظور از شرق تمام سرزمین‌های شرقی اعم از شرق دور، شرق میانه،(آسیایی میانه) و شرق نزدیک(خاورمیانه) اعم از کشورهای اسلامی و کشورهای غیراسلامی است که در شرق دریای مدیترانه قرار گرفته اند، و شرق شناسی به معنای شناخت و آگاهی از تمام این سرزمین‌ها و مردمان شان می‌باشد.(Webster's Encyclopedia unabridged Dictionary of the English Languqge. P. 1010.)و منظور از محدوده معرفتی نیز تمام علوم، فنون و تمدن شرقیان می باشد.

۳،۴،۱. جغرافیایی دینی

طبق نظر دیگری منظور از جغرافیای استشراق، جغرافیای دینی است که در آن حوزه‌های معرفتی زبان، هنر، ادبیات و برخی دیگر از ویژگی‌های شرقی داخل می‌باشد. طبق این تعریف استشراق یعنی شناخت تمام مناطق و سرزمین‌هایی که مربوط به مسلمانان است و اسلام در آنجا حضور دارند و حتی مناطقی که در غرب هستند اما مسلمانان در آنجا ساکنند نیز طبق این تعریف مورد نظر می‌باشد و از نظر معرفتی نیز مراد از شرق شناسی یعنی: شناخت، زبان، هنر، ادبیات و دیگر ویژگی‌های ملت های مشرق زمین و اسلام می‌باشد. و یا منظور از شرق سرزمین-ها و کشورهای اسلامی و مسلمان نشین است و شرق شناسی یعنی شناخت تمام مسلمانان، فرهنگ، تمدن، زبان، هنر، ادبیات و دیگر ویژگی‌های شرقیان و مسلمانان عالم می‌باشد. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۴۳).

۵،۱. تعریف جامع و عام استشراق

با توجه به اختلافات زیادی که در تعریف اسشتراق وجود دارد و کارشناسان گاهی از منظر جغرافیایی به تعریف آن پرداخته و گاهی از نگاه معرفتی و گاهی از نگاه لغوی و تاریخی تعریف نموده اند. در تعریف جامع و عام از استشراق می‌توان گفت: استشراق و شرق شناسی یعنی مجموعه فعالیت‌های سیستماتیک و تلاش‌های هدفمند و مستمر علمی غربیان برای شناسای و شناساندن کشورها، شرایط جغرافیایی، منابع، معادن، تاریخ، تمدن، فرهنگ، قومیت‌ها، زبان، ادبیات، سنت‌ها، آداب، عادات، باورها، ارزش‌ها، حساسیت ها، ادیان، مذاهب، نقاط ضعف و قوت شرقی‌ها و در یک کلام شناخت تمام تار و پود زندگی شرقیان و مردم کشورهای مشرق زمین خصوصا مسلمانان حتی در شمال آفریقا را هم شامل می‌گردد.(زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۳).

1. بخش دوم: مراحل و تاریخ تطور استشراق و مستشرقان

۱,۲. استشراق قبل از اسلام و رویکرد سیاسی- تجاری آن

استشراق و شرق شناسی و تاریخ شروع آن به صورت عام، به بیست و پنج قرن قبل، یعنی قرن ششم پیش از میلاد مسیح(ع) و به دوازده قرن قبل از ظهور و طلوع دین مبین اسلام و نزول قرآن بر می‌گردد. و آن زمانی است که دو قدرت بزرگ و مشهور شرق و غرب(امپراتوری ایران و امپراتوری یونان)، در کشاکش رقابت‌های سنگین قرار دارد، و در این برهه زمانی است که کوشش و تلاش دو طرف، خصوصا غربیان بر این است که شرق و امپراتوری رقیب خود(امپراتوری هخامنشیان) را خوب بشناسد تا بتواند در مقابله و مواجهه با آن موفق و پیروز شود. چنانکه با بررسی دقیق تاریخ این مقطع زمانی پی می‌بریم و متوجه می‌شویم که هدف و غرض عمده غربی‌ها از استشراق و شرق شناسی، رویکرد سیاسی- تجاری بوده است. ((https://parsiandej.ir

و مراد از شناسایی و شناخت شرق و بالعکس شناسایی و آگاهی از سرزمین‌های غرب و امپراتوری آن، علاوه بر شناخت محصولات و کالاهای سرزمین‌های مشرق زمین جهت تجارت و داد و ستد، در واقع راهنمایی کردن قدرت‌های رقیب امپراتوری غرب و شرق جهت پیروزی آنان بر همدیگر بوده و غرض مهم از شناخت شرق و غرب نیز چگونگی و نحوهٔ مقابله با دشمن رقیب و اطلاع از توانایی هایی رقیب و نحوه مقابله با آن بوده است. که طبیعتا نحوه مواجهه غربیان، خصوصا گروه پیش قراولان و دسته شرق شناسان شان در این برهه و زمان، حالت تجاری- سیاسی داشته است. همانگونه که این هدف عمده در طول عمر شرق شناسی و استشراق و تاکنون نیز ادامه داشته و همواره یکی از اهداف و اغراض اساسی شرق شناسی خصوصا بعد از توسعه و ترقی مغرب زمین در صنعت و تکنولوژی نیز مد نظر است. بگونهٔ که بعد از رنساس در غرب، هدف و غرض بنیادی از شرق شناسی، همین رویکرد سیاسی- استعماری و شناخت مشرق زمین برای تسلط برآن و غارت منابع و سرمایه‌های خدادادی آن بوده است. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص ۵۰).

۲,۲. استشراق بعد از ظهور اسلام

۱,۲,۲. استشراق در آغاز ظهور اسلام و نحوه مواجهه آنان با اسلام، قرآن و مسلمانان

استشراق بعد از طلوع خورشید عالم تاب دین مبین اسلام و ظهور کامل ترین دین و آئین آسمانی از افق و جغرافیایی مشرق زمین و نزول قرآن‌کریم و دعوت تمام عالمیان توسط پیامبر بزرگ خداوند رحمت للعالمین حضرت محمد بن عبدالله(ص) و استقبال بی نظیر جهانیان خصوصا مردمان مغرب زمین و پیروان مسیحیت نسبت به این دعوت الهی و رو آوردن بسیاری از غربیان هم‌چون شرقیان به این دین فطری، کامل، جامع و سالم سبب شد تا دستگاه حاکمه غرب و فرمانروایی دینی کلیسا احساس خطر جدی نموده، دست به دست هم داده و در صدد مقابله و مواجهه با اسلام، قرآن و مسلمانان گردیدند. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۳). لذا در این برهه زمانی که مقارن با آغاز ظهور اسلام و نزول قرآن است، نحوه مواجهه غربیان خصوصا اربابان کلیسا در برابر اسلام و مسلمانان و شرقیان، با توجه به اینکه شناخت بسیار اندک و ناچیز از شرق و مسلمانان و کتاب دینی آنان داشتند و از طرفی درخشش بی نظیر اسلام را به وضوح هر روز بیشتر از روز قبل مشاهده می‌کردند، کاملا استیصال‌گونه، باحالت دفاعی همراه با فراکنی‌های مسموم و تبلیغات دروغین، همراه ترس و وحشت از اسلام و مسلمانان و تحریک مردمان مغرب زمین و دین داران مسیحیت در برابر مسلمانان و جنگیدن با آنها بوده است. به حدی این تلیغات سوء و فرافکنی های دروغین، گسترده و وسیع جریان داشته است که موجب می‌گردد نزدیک به دو قرن دنیای اسلام و مسیحیت را رو در روی هم قرارداده و جنگ‌های دویست ساله صلیبی[۱] را در قرون۱۱و۱۲ میلادی روشن نمایند.[۲] که دقت در این مقطع از تاریخ شرق شناسی ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که استشراق و شرق شناسی در این زمان و برهه‌ی تاریخی و مواجهه غرب با شرق و مسلمانان شرق میانه و کتاب دینی مسلمانان(قرآن) بیشتر با حالت دفاعی– تهاجمی با رویکرد دینی– تبشیری بوده است.

۲,۲,۲. استشراق بعد از جنگ های صلیبی تا رنسانس و رویکردهای آن

آنگاه که دین مبین اسلام با سرعت باورنکردنی به پیشروی و جذب مردم جهان و خصوصا

مردمان غربی و ملل مغرب زمین موفق شد و مردم جهان و دیگر ملل به صورت فردی و گروهی برای شناخت اسلام و قرآنکریم کتاب دینی مسلمانان اقدام کردند، پیشرفت سریع اسلام و شکل‌گیری تمدن شکوفای اسلامی برپایه تعالیم نجات بخش قرآن کریم و دستورات دین اسلام هر روز بیش از روز قبل توجه مردمان غربی و مسیحی را به سوی خود جلب می نمود، کلیسا و متولیانش کاری نمی توانستند در برابر پیشرفت و گسترش اسلام انجام دهند و از طرفی لشکرکشی‌ها و جنگ‌های صلیبی هم نتوانسته بود کاری برای آنان از پیش ببرد زیرا اسلام همچنان به رشد خود ادامه می داد و مردمان بیشتری را بسوی خود می کشید و قلمرو سرزمینی مسلمانان هر روز توسعه بیشتر می یافت و نیز حوزه های معرفتی و حکومتی کلیسا و مسیحیان بیش از پیش کوچکتر می‌شد و بدون مقاومت مناطق شان تسلیم مسلمانان شده و اسلام را با جان و دل پذیرا می گشتند بحدی که دیگر بیشتر قلمروها و جغرافیای حاکمیتی کلیسا در شرق دریایی مدیترانه و شمال آفریقا و حتی جنوب غرب اورپای امروزی یعنی سرزمین اندلس(اسپانیا و پرتقال امروزی) تا سلسله کوه های پیرنه در جنوب کشور فرانسه، جزء سرزمین‌های اسلامی و تحت حاکمیت مسلمانان قرارگرفته بود. اربابان کلسیا به فکر چاره افتادند، ابتداء دین مبین اسلام را دین تمرد نام نهاده و برای مقابله با قرآن، اسلام و مسلمانان شروع کردند به اسلام شناسی تبشیری و دینی تا بتوانند با اسلام و مسلمانان مقابله نمایند و حرکت رو به جلو اسلام را کُند و متوقف کنند، در این میان از میان اقداماتی که کشیشان و غربیان انجام دادند. (عقیقی، المستشرقون، ۱۹۶۴م: ج۱، ص۱۲۲). ابتداء ترجمه قرآن کریم به زبان لاتین بود تا به این وسیله به زعم و گمان شان نقاط ضعف قرآن را یافته و ایمان مسیحیان را تقویت نمایند. همانگونه که اولین مترجم قرآن به زبان لاتین کشیش پطرس مبجل فرانسوی(۱۰۹۲-۱۱۵۷م) در این مورد، انگیزه حقیقی خود از ترجمه قرآن را یافتن نقاط ضعف قرآن و دستیابی به راه‌های مقابله با آن ذکر کرده است.[۳] (بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ۱۳۷۵ش: ص۸۵و۸۶). متولیان کلیساهای غرب این ترجمه را در حدود پنج قرن تنها در دسترس کشیشان شان قرارداده و از بیم آشنایی و گرایش بیشتر مردم مغرب زمین به قرآن و اسلام از دسترس عموم دور نگه داشتند. اما این کار کلیسا هم کمک شایانی به آن‌ها نکرد آنها برای مقابله موثر با اسلام و قرآن بصورت منظم و جدی

شروع کردن به شرق شناسی و مطالعه آثار و منابع تمدنی و فرهنگی مسلمان و به این هم اکتفاء نکرده تعدادی زیادی از کتب و منابع تمدنی مسلمانان را ترجمه و تعدادی زیادی را به روش‌های گوناگون تاراج و به مغرب زمین و اورپای امروزی منتقل کردند و تصمیم گرفتند اورپایی که در عصر تاریکی و قرون وسطا می زیستند و بویی از فرهنگ و تمدن به مشام شان نخورده بودند از این عقب ماندگی رهایی بخشیده و علوم و دانش ارزشمند اسلامی و مسلمانان را فراگیرند تا بتوانند از طریق پژوهش‌های علمی، نقاط ضعف مسلمانان را بدست آورده همراه جعل و تحریف حقایق، راهی برای تبلیغ ضد قرآن، اسلام و مسلمانان بیابند و از راه جنگ نرم به مقابله با قران، اسلام و مسلمانان بر خیزند. متولیان کلیسا به صورت ویژه و حکمرانان و سیاست مداران مغرب زمین در این کارشان موفق شدند. زیرا هم راه مواجهه مناسب و مقابله با اسلام و مسلمانان و قرآن را پیدا کردند و هم به سرعت تمام اورپایی تاریک و قرون وسطایی را بیدار و بسوی پیشرفت و توسعه اجتماعی حرکت دادند. آنچه که محرز و مسلم است، در این برهه تاریخی قبل از رنساس، نحوه مواجهه غربی‌ها با رهبری و سرکردگی کشیشان و متولیان کلیسا با قرآن، اسلام و مسلمانان به صورت دینی- تبشیری همراه با پژوهش‌های جدی، علمی و تحقیقی بوده است که در این میان کسانی هم از میان کشیشان و دیگر فرهیختگان مغرب زمین دیده می‌شوند که در برابر حقانیت اسلام، بعد از مواجهه با حقانیت قرآن کریم و دیگر متون دینی مسلمانان و مشاهده مستدل بودن و عقلانیت اسلامی و جامعیت قوانین زندگی، انسانیت و معنویت گرایی و آگاهی از پاکی و اخلاص پیامبر مکرم اسلام(ص) و پیشوایان دینی مسلمانان، خضوع نموده[۴] (مردانی، اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۱۴۰۲ق: ص۴۴). و برخی نیز خاشعانه پذیرای دین مبین اسلام شدند.[۵] (آرگون، نگرش های انتقادی معاصر و قرآن، ترجمه: اسکندرلو، ش۳). و همین طور کسانی دیگری هم بودن که در پی رسیدن به حقیقت و راه یافتن به آن به بررسی و پژوهش در قرآن، منابع دینی و معارف اسلامی روی آوردند و نه تنها که خود مسلمان شدند و حقیقت را پذیرفتند که حتی از دیگران نیز برای تحقیق علمی و منصفانه برای رسیدن حقیقت دعوت به عمل آورده اند.[۶] (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: صص۱۶۸-۱۷۸). خلاصه در یک کلام می‌توان گفت که نحوه مواجهه و برخورد غربی‌ها مسیحی با قرآن، اسلام و مسلمانان در این

مقطع از تاریخ، دینی- تبشیری بصورت دفاعی همراه با تقلید از شرق برای علم آموزی و پژوهش های علمی بوده است.

۳,۲,۲. استشراق بعد از رنسانس و رویکردهای آن

مغرب زمین و مسیحیت تا دوره رنسان و قرن شانزدهم در برابر اسلام و مواجهه با منطق قوی و مستدل قرآن، اسلام و قدرت مسلمانان بیشتر با حالت دفاعی به رویکرد دینی- تبشیری روی آورده بودند و تنها در صدد راست کردن قامت خود بود. اما با مرگ سلطان محمد فاتح یکی از سلاطین امپراطوری عثمانی اسلامی در سال۱۴۸۱م و افول تدریجی و روز افزون قدرت امپراطوری عثمانی در زمان سلطان سلیم اول و سلیمان قانونی و بهره مندی دانشمندان غربی از علوم و دانش منتقل شده از شرق اسلامی و ایجاد رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی به برکت این علوم منتقل شده از شرق و تمدن اسلامی و در نتیجه رونق یافتن عصر روشنگری و روشنایی و برچیده شدن بساط تاریکی و قرون وسطایی و پیدایش عصر صنعتی و تولید ماشین‌های صنعتی جهت تولید و توسعه کالاهای صنعتی و مصرفی و شکوفایی علوم تجربی و قدم گذاشتن دول غربی در مسیر توسعه صنعتی و تکنولوژیکی و از طرف دیگر انحطاط و ضعف مشرق زمین خصوصا مناطق اسلامی و امپراطوری عثمانی؛ مغرب زمین و دول غربی را به این فکر واداشتند که تلاش همه جانبه ای در تسریع نابودی و تجزیه امپراطوری بزرگ اسلامی ترکان عثمانی که حالت رنجور و بیمار داشت آغاز نمایند و این امپراطوری پهناور را به کشورهای بسیار کوچک تجزیه کنند. بنابراین تلاش غربی ها و دول غربی بصورت تهاجمی برای ضربه زدن به مشرق زمین از قرن هفدهم میلادی با گسیل داشتند بیشترین پژوهشگران غربی با عنوان محقق برای جاسوسی و خراب کاری به سرزمین های شرقی و اسلامی شروع شد و به تدریج دول شرقی و سرزمین های اسلامی یکی پس از دیگری با تهاجم همه جانبه غربی‌ها به تسخیر درآمد و با شعار استعمار و آبادی محل تاخت و تاز مهاجمان غرب مسیحی قرار گرفت و تا چند قرن در دست استعمار رسمی غربی ها افتاد، منابع و ثروت های خدادای شان به تاراج رفت و به این شکل بود که شرق شناسی بصورت سیاسی-استعماری رونق گرفته و دنیای غرب برای تسلط هرچه بیشتر

بر شرق، خصوصا کشورهای اسلامی به شرق شناسی و اسلام شناسی و شناخت دیگر شئونات و ویژگی‌های مردمان شرقی خصوصا مسلمانان رو آوردند و به این وسیله سرزمین‌های شرقی و اسلامی را تحت تسلط و سیطره کامل خود برده و مردمان مشرق زمین و مسلمانان را مرغوب و مسحور خود نمودند تا اینکه در قرن بیستم به برکت انقلاب شکوه مند اسلامی در ایران، به رهبری بزرگ مرد تاریخ حضرت امام خمینی(ره) دوباره دول غرب مسیحی و استعمارگر به چالش جدی کشیده شد و مسلمانان جهان به خود آمده اعتماد به نفس یافته و به برکت این حرکت عظیم جهانی بیداری و حرکت های انقلابی در سطح جهان، خصوصا جهان اسلام ایجاد شد. در نتیجه دقت به این مقطع تاریخی ما را به این مطلب رهنمون می نماید که شرق شناسی و استشراق و مواجهه غربی ها و دنیای مسیحیت با قرآن، اسلام و مسلمانان در این چند قرن اخیر و عموما در برابر شرقیان و سرزمین های اسلامی و شرقی بیشتر حالت تهاجمی با رویکرد سیاسی- استعماری در جریان بوده است و هدف و غرض اصلی آنان از شرق شناسی و اسلام شناسی بیشتر جنبه سیاسی- استعماری داشته است. اگر چه در این یکی، دو قرن اخیر کسانی هم در میان دانشمندان شرق شناس بوده اند و هستند که به انگیزه حقیقت جویی و رسیدن به حقیقت و درک درست از اسلام، قرآن و شناخت بیشتر مسلمان تلاش کرده و بسیاری از آنان نیز بعد از تحقیقات گسترده به آئین نجات بخش اسلام تشرف یافته و خود از مبلغین فداکار و با اخلاص برای اسلام و قرآن شده اند. چنانکه در میان شرق شناسان در این دوره علاوه بر این دوسته و دو گروه شرق شناس، بازهم کسانی بوده اند که علاوه بر اهداف سیاسی- استعماری اهداف دینی- تبشیری نیز مد نظر شان بوده و در راستایی اهداف سیاسی- استعماری توآم با دنبال کردن اهداف دینی- تبشیری حرکت کرده و تلاش می کنند.

۳. بخش سوم: گروه‌ها، دسته‌ها و اهداف مستشرقان

همانطور که در صفحات قبل این نوشته به اجمال اشاره شد مستشرقان در استشراق شان مقاصد و هدف‌های متنوعی داشته اند و با انگیزه های مختلف به استشراق و شرق شناسی روی آورده اند. زیرا استشراق به عنوان یک جریان وسیع شرق شناسی و اسلام شناسی در طول تاریخ

فعالیت شان با تمام پدیده های علمی، پژوهشی، انتشاراتی و اقدامات سیاسی و اجتماعی در تعامل با ملت‌های شرق و مسلمانان، دارای نیت‌ها، غرض‌ها و انگیزه‌های گوناگونی بوده اند و نمی‌توان گفت که تمام مستشرقان در یک صف واحد قرار دارند. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: صص۱۶۸-۱۵۱). به قول یکی از محققین اسلامی بعضی از آن‌ها در مواجهه با اسلام و قرآن در حدی از حقد و کینه و دشمنی هستند که از شدت تعصب نابینا می-باشند این دسته کینه ورز، تمام نوشته های شان تیرهای سمی هستند که برای عقده گشایی، عداوت و دشمنی رها شده است. بعضی از آن ها کسانی هستند که عظمت اسلام و قرآن موجب تعجب شان شده است به حدی که در برابر بزرگی اسلام سر خم نموده و تواضع و خضوع کرده اند. بعضی از مستشرقین نیز در خدمت سیاست های دول استعماری بوده اند و بعضی شان نیز از لحاظ شخصیتی ضعیف النفس بوده اند که تحت تاثیر جریان های صهیونیستی و ... قرار گرفته و قلم شان اجیر سیاست‌بازان و سیاست مداران است.(النبهان، الاستشراق، تعریفه، مدارسه آثاره،۱۴۳۳ق، ۲۰۱۲م: ص۱۵). اما در میان این مستشرقان کسانی هم هستند که به دنبال دقت و تعمق علمی و فهم حقیقت اند. (حسنی الخربوطلی، المستشرقون و التاریخ الاسلامی، ۱۹۸۸م: ص۵۴). لذا نمی توان هنگام داوری به همه آنان یکسان نگاه نمود بلکه جهت‌گیریها، تمایلات مستشرقان و مکاتب استشراق قابل دسته بندی‌های متفاوت است. بعضی از محققین انگیزه‌های استشراق را دو عامل مهم دانسته یکی عامل دینی و دیگری عامل سیاسی، بنابراین انگیزه‌های استشراق را نیز به همین دو دسته سیاسی- دینی و مستشرقین را هم به دو دستهٔ مستشرقین دینی و مستشرقین سیاسی تقسیم بندی نموده اند. (النبهان، الاستشراق، تعریفه، مدارسه آثاره،۱۴۳۳ق، ۲۰۱۲م: ص۱۵). برخی از اندیشمندان اسلامی نیز مستشرقان را از جهت زمانی دسته بندی نموده و به طبقه قدما و طبقه محدثین تقسیم نموده است و برای هرکدام از این دسته ها انگیزه‌های خاصی را ذکر کرده و نیز در دسته بندی دیگر، مستشرقان را از نظر نحوه برخورد و مواجهه شان با اسلام و قرآن مد نظر قرار داده و به دو گروه مادحین اسلام و منتقدین از اسلام و قرآن تقسیم بندی کرده است. (مالک بن نبی، انتاج المستشرقین، ۱۳۸۸ق، ۱۹۶۹م: ص۵). اما با دقت و امعان نظر همان گونه که در کتاب ارزشمند شرق شناسی و اسلام شناسی آمده است به طور کلی با

توجه به نوع اظهار نظرها، آثار و تألیفات، انگیزه‌های مستشرقان و نیز مشاغل و منابع مالی و حامی آنان می‌توان گفت که همه جریان‌های استشراق در درون سه مکتب و سه دسته کلی و عام قرار دارد. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: صص۱۶۸-۱۵۱). که هرکدام از این دوره ها و دسته های از مکاتب استشراق دارای متولیان خاص و با اهداف ویژه خود بوده است که در صفحات بعد به معرفی مختصر و اجمالی این دسته‌ها بسنده شده، انگیزه ها، عوامل و اهداف آنان و نیز معرفی تعدادی از مستشرقان و شگردهای خاص شان جهت تسلط و سیطره بر ملت‌های شرقی بصورت اشاره و فهرست وار بیان خواهد شد.

۱،۳. گروه اول: استشراق دینی- تبشیری

چنانکه در صفحات اول این نوشته اشاره شد تا ظهور اسلام کلیسا برای حاکمیت خود و دین مسیحیت هیچ‌گونه خطری را به عنوان دین جایگزین و رقیب احساس نمی‌کرد. با ظهور و گسترش سریع اسلام و غالب بودن منطق اسلامی در مواجه با مکاتب و ادیان دیگر و موج گرایش شدید به اسلام در سرزمین‌های غربی و تحت حاکمیت کلیسا و رهایی سرزمین‌ها و مناطق تحت تسلط کلیسا از تصرف آنان، زنگ خطر را برای غربی ها و متولیان کلیسا به صدا درآورد و آنان احساس کردند که مردم مسیحی به مجرد آشنایی با قرآن و آموزه های دین اسلام از کلیسا و مسیحیت تمرد کرده و از اطاعت کشیشان سرپیچی می‌کنند. لذا کشیشان و حاکمان کلیسا و متولیان دین مسیحیت برای مبارزه با اسلام به شناخت اسلام و قرآن و شرق‌شناسی روی آوردند و دین اسلام را به عنوان آیین و دین تمرد نام گزاری نموده و از آن با نام دین تمرد یاد می‌کردند. (یوهان فوک، تاریخ حرکة الاستشراق، مترجم: عمر لطیف العالم، ۲۰۰۱م: ص۱۴). و این ترس و وحشت متولیان و اربابان کلیسا زمانی دو چندان شد که بعد از رحلت نبی مکرم اسلام(ص) مسلمانان قلمرو سرزمینی شان گسترش یافت و توسعه داده شد، غربی ها عموما و حاکمیت دینی غرب و اربابان کلیسا، احساس خطر کردند و شروع به مقابله و مبارزه با قرآن و اسلام نمودند که این روند نا میمون متاسفانه تا زمان معاصر نیز به شکلی از اشکال ادامه یافته است و در بعضی از زمان‌ها از شدت و جدیت بیشتری نیز برخوردار بوده است. آنگونه که در طول تاریخ استشراق و

استعمار غربی مشاهده می شود، یکی از کارهای مداوم متولیان دینی مسیحیت و شرق شناسان علاوه بر افتراء و دروغ بستن به اسلام و مسلمانان، تحریک و تشویق مردم مغرب زمین برای جنگ و ایستادگی در برابر پیشروی اسلام و مسلمانان بوده و در این راه تلاش زیاد کرده اند. به عنوان نمونه هائوتو که یکی از مستشرقین فرانسوی و سمت مشاور در وزارت استعمار فرانسه را دارد، طی نوشتن مقاله‌ای در سال ۱۳۱۷ق، خطاب به غربی ها می نویسد: ... مسلمانان آسیا با سرعت از شمال آفریقا گذشتند... دو طرف پیکان آنها تمامی غرب را در بر می‌گرفت... فرانسه در هرمنطقه‌ای با اسلام و مسلمانان در ارتباط بود به صورتی که فرانسه را احاطه و از جنوب به مرزهایش رسیده بود. این نویسنده در ادامه گفتار خود می‌گوید: دقت کنید این اسلام تنها دینی است که گرایش شدید به آن نسبت به دیگر ادیان وجود دارد و اسلام هنوز در آسیا، در بیت المقدس و مهد انسانیت و مقر مسیح(ع) هم حضور دارد و در پی نشر، تبلیغ و ترویج آموزه هایش بوده و هستند. که باید با جدیت با آن مبارزه گردد. (محمدبهی، اندیشه نوین اسلامی در رویاوریی با استعمار غرب، مترجم: سیدی، ۱۳۸۲ش: ص۲۸).

۱،۱،۳. اسامی تعدادی از بارزترین مستشرقان دینی- تبشیری

۱. یوحنای دمشقی اولین مستشرق اسلام شناس، مشاور و دارای مصب و جایگاه در دربار خلفای اموی.

۲. عالی جناب پطرس مبجل فرانسوی(۱۰۹۲-۱۱۵۷م)، اولین مترجم قرآن به زبان لاتین.

۳. گلدزیهر یهودی اهل مجارستان(۱۸۵۰-۱۹۲۱م) استاد زبان‌های اسلامی، قرآن شناس و مولف کتاب روش‌های تفسیری قرآن.

۴. تئودور نولدکه آلمانی قرآن شناس، آشنا به زبان های شرقی و مولف کتاب تاریخ قرآن کریم.

۵. ویلیام مونتگمری وات، اسلام شناس و قرآن شناس اسکاتلندی، مولف کتاب جبر و اختیار درصدر اسلام.

۶. آرتور جفری، اسلام شناس و مولف کتاب واژه های دخیل در قرآن کریم.

۷. رژی بلاشر، مترجم فرانسوی قرآن کریم و نیز مترجم کتاب طبقات الامم.

با دقت و بررسی شخصیت این افراد و ملاحظه آثار و نیز جهت گیری های مهم شان در برابر اسلام و قرآن کریم متوجه می شویم که عمده اهداف این افراد و امثال این افراد از شرق شناسی و اسلام شناسی دینی- تبشیری و مقابله با دین اسلام و قرآن کریم بوده اند. بنابراین یکی از گروه های مهم مسشترقان در همین دسته(دینی-تبشیری) قرار می‌گیرد که با سردمداری کشیشان و اربابان کلیسا جهت مقابله با، قرآن، اسلام و حفظ مسیحیت با انگیزه و هدف دینی- تبشیری به شرق شناسی و اسلام شناسی رو آورده و در این راستا حرکت و فعالیت کرده اند.

۲,۳. گروه دوم: استشراق علمی- تحقیقی(حقیقت جویانه)

آنطور که قبل گفتیم و دانستیم که نمی‌توانیم و درست هم نیست تا تمام مستشرقان را با یک نگاه مشاهده کرده و همه را همتراز هم قرارداده و همه آنان را با یک چوب برانیم و نسبت به همه آنان کاملا خوشبین یا بدبین باشیم، همین‌طور نمی‌شود تمام مستشرقان را در یک گروه و دسته یگانه و واحد بگذاریم و همه آنان دارای اهداف و اغراض یکسان تلقی کنیم، این کار خلاف انصاف و موضوع گیری علمی است. زیرا در میان مستشرقین تعدادی زیادی از شرق شناسان و مستشرقین اسلام شناس، حقیقت جو و منصف هم بوده اند و هستند که در پی درک حقیقت و یافتن حق، تحقیق نموده و به راه پژوهش علمی قدم گذاشته و در این راه افتاده اند و از برتری‌های خاص اسلام در گفته های شان سخن گفته و به بسیاری از مزایای دین و تمدن اسلامی پرداخته و به آن اشاره نموده اند.[۷] وحتی بعضی از آن‌ها همان‌گونه که در ابتدای این بحث اشاره شد و بنابر نقل بعضی از محققان و نویسندگان، تتها هدف شان از استشراق و پژوهش‌های علمی- تحقیقی رسیدن به حقیقت و حقیقت جویی و پی بردن و کشف حق بوده و کارشان جنبه علمی و تحقیقی داشته اند. (ادوار سعید، شرق شناسی، ترجمه: گنجی، ۱۳۸۶ش: ص۱۱). و پس از رسیدن به حقیقت با جان و دل آن را پذیرفته و تعدادی از آنان در این راه جان عزیز شان را نیز فدا کرده اند.

۱,۲,۳. اسامی تعدادی از بارزترین مستشرقان علمی- تحقیقی

۱. جان جاکوب(یعقوب) رایسکه آلمانی که در راه عقیده اسلامی خود از تمام حقوق زندگی

محروم شد و با فقر و محرومیت زندگی کرد و در دفاع از قرآن کریم و پیامبر اسلام(ص) و رد کردن اتهام های ناروا نسبت به آن حضرت و اعتقاد به اینکه امام علی(ع) بهترین امیرجهان است و نیز محکوم و ردکردن دروغ پراکنی‌ها و افتراء های کلیسا راجع به اسلام و قرآن در نهایت در راه اسلام و قرآن به شهادت رسید و اولین شهید راه یافته در راه دفاع از اسلام و قرآن شد.

۲. شهید دکتر ادواردو(مهدی) آنیلی اهل ایتالیا که مادرش یهودی و پدرش مسیحی بود و تنها فرزند یکی از میلیاردهای جهان صاحب شرکت تولید خودرو فیات کشور ایتالیا بود که بعد از مواجهه با کتاب نور و رحمت قرآن مجید هدایت در وجودش جریقه می زند و در ابتدای انقلاب اسلامی ایران برای تحقیق و بررسی بیشتر به ایران میآید و بعد از تحقیقات زیاد به حقانیت و نجات بخشی مذهب شیعه قطع و یقین پیدا نموده و مذهب شیعه را برای خود بر می‌گزیند و نام مبارک مهدی صاحب زمان(ع) را نیز برای خود می پسندد و پس از بازگشت به ایتالیا و تصمیم دوباره برای مسافرت و اقامت به شهر قم ایران، قبل از مسافرت دوباره به ایران، به صورت مشکوک ناپدید و جسم بی جان این شهید راه اسلام و قرآن بعد از چند روز در زیر یکی پل های شهر رم ایتالیا کشف می گردد.

۳. لئوپولد یهودی، که نام اسلامی خود را محمد اسد انتخاب می کند و از دین یهودیت به دین اسلام مشرف گشته و برای ساختن کشور تازه ایجاد شده پاکستان به پاکستان می آید و چند تا کتاب نیز درباره اسلام می نوسید از جمله کتاب پیام قرآن و نیز کتاب راهی بسوی مکه را تالیف می کند.

۴. موریس بوکای فرانسوی، که بدون حب و بغض در میان مسیحیان وحیانی بودن قرآن کریم را پذیرفت و بازبان رسا و جار این مسئله مهم را در میان مسیحیان اعلان و به دفاع از وحیانی بودن قرآن پرداخت و نیز برای معرفی بیشتر قرآن؛ کتاب ارزندۀ با نام: تورات، انجیل، قرآن و علم را به رشته تحریر درآورد.

۵. جان دیون پورت انگلیسی نیز یکی دیگر از افراد این گروه است که برای جبران کوتاهی‌ها و توطئه ها و افتراءهای نویسندگان غربی و مسیحی راجع به اسلام و قرآن و رد شبهه‌ها و دروغ پراکنی‌های کشیشان و شرق شناسان، کتاب: عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن را تالیف نموده

و به جهان بشریت و انسان‌های حقجو و حق پرست تقدیم کرد.

۶. پرفسور هانری کربن فرانسوی مولف کتاب مجموعه ایران شناسی و حامل عرفان حکمت صدرایی و سهرودی به دنیای غرب، نیز از جمله شرق شناسان و اسلام شناسانی است که برای تبین حق و رسیدن به حقیقت تلاش نمود.

۷. ایزوتسو ژاپنی مولف کتاب‌های: خدا و انسان در قرآن و نیز مولف کتاب آفرینش و رستاخیز که احمد آرام آن را به فارسی ترجمه کرده است نیز در این دسته اسلام شناسان قرار دارد.

۳،۳. گروه سوم: استشراق سیاسی- استعماری

در بخش‌های قبل مقاله حاضر گفته شد که اولین دوره ی شرق شناسی از قرن ششم قبل از میلاد تا قرن ششم میلادی یعنی حدود دوازده قرن تا ظهور اسلام ادامه داشته است، که در این مدت و زمان طولانی تعامل و رقابت بین تمدن غرب و شرق که از زمان کنعانیان با تعاملات و روابط تجاری بین دو قدرت شرق و غرب(ایران و یونان) به وجود آمده بود جلوه‌گری می‌کرده است. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۱۵۱). اولین شرق شناس و مستشرق که برای شناخت شرق اقدام نمود پدر تاریخ جهان غرب هیردوس(۴۹۰-۴۲۵م) بود که برای شناخت و آگاهی بیشتر از مشرق زمین مشاهدات خود از سرزمین‌های شرقی را در کتاب ماندگارش تواریخ درج و به یادگار گذاشت. اما بامیلاد نورانی پیامبر نور و رحمت محمدمصطفی(ص) در قرن ششم و در سال ۵۷۰ میلادی و ظهور دین اسلام در اوایل قرن هفتم میلادی(سال ۶۱۰میلادی) و گسترش سریع و همه جانبه آن به سوی شرق و غرب و رشد فزاینده تمدن درخشان اسلام از قرن هفتم میلادی به بعد و افول تمام عیار غرب در قرون سیزدهم تا شانزدهم میلادی زنگ خطری بود که غربیان را متوجه جهانی شدن تمدن اسلامی مشرق زمین نمود و غربیان به ناچار نهضت پژوهشی جهت شناخت این تمدن شرقی و مبارزه با آن و اقتباس از جلوه ها و دستاوردهای قابل انتقال آن به غرب و مردم مغرب زمین تحت عناوین شرق شناسی و استشراق، با انگیزه های سیاسی علاوه بر انگیزه های دینی شروع به کار و فعالیت‌های متنوع نمودند که این فعالیت ها نام استشراق و شرق شناسی به خود گرفت. غربی‌ها ابتداء در مقابل

عظمت قرآن کریم و نیز شکوه و هیبت تمدن اسلامی کاری خیلی کم می‌توانستند انجام دهند و قافیه را بکلی باخته بودند آنگونه که نویسنده شرق شناس و معروف آمریکایی فلسطینی تبار(ادوارد سعید)[۸] در کتاب خودش به این نکته اشاره نموده و گفته است: شکی نیست که اسلام از بسیاری از جهات واقعا موجب می‌شد که اورپائیان تحریک شوند. قلمروش به گونه‌ای ناراحت کننده و نگران کننده‌ای به قلمرو مسیحیت نزدیک بود، و... به گونه‌ای خلاق از مسیحیت چیزهایی به‌عاریت می‌برد، و می‌توانست به پیروزی‌های بی‌رقیب نظامی و سیاسی خود بنازد. این تمامی ماجرا نبود. از پایان قرن هفتم میلادی تا زمان جنگ لپانتو[۹] در سال ۱۵۷۱میلادی، اسلام به شکل‌های عربی، عثمانی، شمال آفریقایی، و اسپانیایی خود یا برمسیحیت اروپایی مسلط بود یا عملا آن را در معرض خطر قرار می‌داد. این واقعیت که اسلام برتر و درخشان تر از امپراتوری روم بود نمی تواند از ذهن هیچ اروپایی روزگار گذشته و زمان حال به دور باشد. (ادوار سعید، شرق شناسی، ترجمه:گنجی، ۱۳۸۶ش: ص۱۱۹). این ترس و هیبت اسلام و پیشرفت حیرت انگیز مسلمین، دنیای مسیحیت و غرب را به تکاپو انداخت و شروع به تلاش‌های بی وقفه در جهت استشراق و شناخت شرق اسلامی از طریق ترجمه نمودند و سپس نه تنها به شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی و شرقی اکتفاء نکردند که با دسیسه های مختلف مانند: تحریف واقعیات اسلامی، شبه افگنی و ورود به قلمرو مسلمانان با عنوان آبادانی و استعمار و آوردن پیشرفت و توسعه، به سرزمین‌های اسلامی، منابع، فرهنگ و تمدن آنان دست برد زدند و هر چه در توان داشتند از تاراج و غارتگری اباء نکردند. و در این جهت دنیایی غرب و مسیحیت برای رفع خطر مسلمانان به اقدامات گوناگون از جمله: استعمار، استقلال زدایی، جنگ سرد، علمیات روانی، و القاءات مداوم و مستمر عقب‌ماندگی فکری-ذهنی و ذاتی، سلطه سیاسی و امپریالیستی و تسخیر سرزمین های اسلامی از جمله فلسطین و سلطه فرهنگی غرب بر شرق دست زدند. که در صفحات بعد به برخی از این شگردها و توطئه های دنیای غرب اشاره و نمونه های از آنها بیان خواهد شد.

۱،۳،۳. هموارسازی مسیر پیاده نظام استعمار با شرق شناسی

در توصیف نقش برجسته شرق شناسان در هموار سازی راه برای استعمارگران غربی در سرزمین‌های شرقی و اسلامی عنوان جالب و قابل توجه در کتاب شرق شناسی و اسلام شناسی آمده است که خیلی جالب به نظر می‌رسد، عنوان این است: توپ خانه فرهنگی و آتش تهیه ارتش استعمار؛ این جمله بیانگر این مطلب است که استشراق در خیلی از موارد همانند توپخانه که در جنگ‌های گرم و فیزیکی کوبیدن مواضع دشمن را به عهده دارد تا جبهات و سنگرهای دشمن را به زمین سوخته تبدیل نماید و راه پیاده نظام را هموار سازد. استشراق سیاسی در واقع نیز همین نقش را برای پیاده نظام استعمار در سرزمین‌های اسلامی ایفاء نموده است. چنانکه یکی از نویسندگان مصری بنام محمد غزالی در این رابطه گفته است: تلاش علمی و فرهنگی مستشرقان در جهان اسلام، هم‌چون توپ خانه های دوربرد که مسیر پیشروی لشکر پیاده را پاک سازی می‌کند، راه های ذهنی جوامع اسلامی را برای ورود استعمار غرب و شرق آماده می‌سازد. (غزالی، دفاع عن العقیده و الشریعه ضد مطاعن المستشرقین، ۲۰۰۵م: ص۳). استشراق جادوی مدرن دشمنان اسلام است که ماسک علم و دانش و پژوهش‌گری و تدین را بر چهره زده، و حال آنکه روح پژوهش‌گری و حقیقت جویی در کالبد آن نیست. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۱۹۷).

۲،۳،۳. اعتراف صریح بعضی از مستشرقان به هدف استعماری شان

بعضی از مستشرقان نیز در مورد بعد استعماری استشراق به صراحت اعتراف می نمایند، از جمله این افراد ویلیام مونتگمری وات[۱۰] است.(مجله اسلام و غرب، ۱۳۷۷ش: ش۱۹). که در کتاب خود با عنوان: برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان می نویسد: در واقع رابطه ای پیچیده میان خاورشناسان در مفهوم وسیع آن و استعمارگران وزارت خارجه موجود بوده است. به مرور خاور شناسان اطلاعات بیشتری از فرهنگ های مورد مطالعه خود جمع آوری نمودند، و سیاست مداران و استعمارگران متوجه شدند که برخی از این اطلاعات در سلطه آنان بر مستعمرات و سرزمین‌های شرقی می‌تواند به آنان کمک کند، لذا پژوهشگران بیشتری را استخدام کردن تا در

زمینه مسائل خاص مورد علاقه شان تحقیق و پژوهش نمایند. (مونتگمری وات، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان تفاهمات و سوء تفاهمات، ترجمه: محمد حسین آریا، ۱۳۷۳ش: ص۱۷۹). در واقع اقدام غربیان برای اسلام شناسی و آشنایی با قرآن و اندیشه‌های دینی شرقیان و مسلمانان در واقع بدان جهت است که عوامل عقیدتی مقاومت مردم مشرق زمین را در برابر تهاجمات استعماری غرب شناسایی کرده و برای از بین بردن آنها طرحی حساب شده و بنیان کنی دربر اندازند. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۱۹۹). با توجه به تلاش های غربیان در شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی جهت استیلا و تسلط بر آنان و نیز شناخت عوامل مقاومت مسلمانان و از بین بردن آن عوامل مقاومت؛ تا حدودی به این هدف رسیدند و به این عوامل پی بردند، همانطوری که یکی سیاست مداران دیگر برتانیایی در یکی از سخنرانی‌های رسمی خود در جمع ماموران وزارت مستعمره مشرق زمین اعلام نمود: تا وقتی که قرآن در بین مسلمانان خوانده و عمل شود هرگز تسلط انگلیس در خاورمیانه پایدار نخواهد شد. (ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، بی تا: ج۱، ص۷۷).)

۳،۳،۳. تهاجم استقلال زدایی و اتهام غرب به شرق

ویلفرد کنت ول اسمیت در کتاب مفصل خود، اسلام در جهان امروز با صراحت به این مطلب پرداخته و می‌نویسد: آشکارترین نمونه این حملات، حمله وحشیانه و سنگین امپریالیسم غربی درسال۱۸۸۲م است. که کشتی های انگلیسی بندر اسکندریه را به توپ بستند تا از اولین اقدام بزرگ مصر به هدایت و رهبری اعرابی پاشا برای اصلاحات داخلی ممانعت به عمل آورند. غرب یادنیای جدید فقط حمله نمی‌کند، متهم می‌کند. (اسمیت، اسلام در جهان امروز، ترجمه: هروی، ۱۳۵۶ش: ص۱۰۱). یکی از نویسندگان معروف آلمان با صراحت بیشتر در کتابی که با نام: پیش بسوی شرق، دارد، اعترافات زیادی نسبت به ظلم و ستم مستشرقان و توطئه دولت آلمان نسبت به ایران و دیگر کشورهای اسلامی و شرقی مانند: عراق، عثمانی و هند و... دارد که با ملاحظه فرازهای از آن کتاب مشخص می‌شود که دول غربی و غربیان هیچ هویت مستقلی برای مردم مشرق زمین و حکومت‌های آنان قائل نبوده اند. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی

غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۰۰).

۴،۳،۳. سلطه سیاسی و امپریالیستی، اولین انگیزه شرق شناسی آمریکا

انجمن شرقی آمریکا در سال ۱۸۴۲م. تأسیس شد. در اولین جلسه این انجمن، جان پیکر نیک، رئیس این نهاد هدف اصلی آمریکا را این گونه بیان کرد که: آمریکا بتواند بر اساس مطالعات شرقی مثل قدرت های امپریالیستی اروپایی عمل کند. طبق برنامه ریزی مسئولین این انجمن، یکی اهداف این انجمن عبارت بود از آماده کردن زمینه برای فراگیری زبان‌های آسیایی، آفریقایی و ... و هرچیز دیگری که به شرق مربوط می شد. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۰۱).

۵،۳،۳. جنگ سرد، خط مشی مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد

یکی دیگر از مستشرقان فردی بنام گیپ است. این فرد بعد از انتخاب شدن به عنوان مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، سبک کارش نفوذ بر شرق شناسی بود، گیپ شرق شناسی را بر محور نوعی نگرش و برخورد مطالعات منطقه‌ای، جنگ سرد متمرکز نمود. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۰۲). حتی برخی از محققین حمله مغول‌ها به سرزمین های اسلامی را نیز توطئه مستشرقین و اربابان کلیسا دانسته و گفته اند که پاپ اینوسان چهارم در سال ۱۲۴۵ میلادی دو هیئت مذهبی مرکب از چند کشیش با هدایای گران قیمت برای تحریک مغول نوه چنگیزخان فرستاد و او را تحریک نمود تا به سرزمین های اسلامی حمله نماید. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۳۵).

با دقت و ملاحظه فعالیت‌های شرق شناسان متوجه می‌شویم که مستشرقان علاوه بر اهداف استعماری فوق، دارای دست آوردهای مهمی نیز بوده است که یکی از آن دست آوردهای مهم شرق شناسی یافتن راه هایی برای حضور سلطه گرانه دولت های غربی در ساختار و پیکره حکومت های کشورهای شرقی است. این حضور گاه در قالب طراحی سازمان های نظامی و امنیتی می‌باشد، گاه در قالب مستشار، گاه در قالب فرمانده و گاه در قالب حمایت مالی و پرداخت حقوق پرسنل، چنانچه تا به امروز این رویه در بعضی کشورهای شرقی از جانب غربی

ها جریان دارد. به عنوان مثال کشورهای مثل: اردن، لبنان، مصر، پاکستان، ترکیه و فیلیپین و ... هر ساله کمک های بلاعوض و با عوض در قالب کمک های نظامی و ... در برابر نفوذ و پذیرش درخواست های آمریکا از این کشور دریافت و خودشان را با شرایط مورد نظر آمریکا تطبیق می دهند. همان طوری که قبل از انقلاب اسلامی ایران، برنامه آمریکا در مورد ایران همین سیاست تابع و پیرو سازی بود. خصوصا رئیس جمهور وقت آمریکا نیکسون در نظر داشت تا ایران را بخاطر موقعیت مهم و استراتژیکی و منابع و ثروت های زمینی و جمعیت فراوان و دیگر ویژگی های خاص این کشور آن را به عنوان ژاندارم منطقه خاورمیانه در نظر گرفته و تعریف نماید و به عنوان حافظ منافع غرب از آن حمایت همه جانبه کند. (جعفر چمنکار، دکترین نکسون و ژاندارم خلیج فارس، ۱۳۸۵ش: ش۵۲).

۶،۳،۳. نقش صهیونیسم در استشراق سیاسی

ادوارد سعید شرق شناس آمریکای فلسطینی تبار، که خود ده ها سال در دانشگاه های آمریکا شاهد جهت گیری‌های خاورشناسان و دولت مردان و سیاست مداران و خط مشی گزاران شرق شناسی در دانشگاه ها بوده است راز اصلی ناسازگاری آمریکا با عرب و مسلمانان را حمایت از موجودیت اسرائیل معرفی می‌کند. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۰۴). که این خود دلیل روشن بر نفوذ زیاد و گستردهٔ صهونیسم در استشراق سیاسی و سیاست گزاری‌های غرب و آمریکا دارد و نمود این نفوذ در نشریات و رسانه های غربی کاملا مشهود است زیرا اکثر رسانه‌های جمعی غربی و به ویژه آمریکایی بعد از اعلام موجودیت "دولت اسرائیل" روش و رویکرد های شرق‌شناسان نسبت به مردم فلسطین را در پیش گرفتند، آنها فلسطینیان را انسان‌هایی احمق و منحط و عقب‌مانده اجتماعی توصیف می‌کنند و در مقابل"کودکان اسرائیلی" را که منازل عربی را به زور اشغال کرده بودند، نمادی از تلاش برای برپایی تمدن جدید در مشرق عربی معرفی می‌کردند.

این موضوع که به صورت واضح در کتاب کِنِت بیلبی خبرنگار روزنامه نیویورک هرالد تریبون مشاهده می‌شود که در سال ۱۹۵۰ عنوان "ستاره ای جدید در خاور نزدیک" منتشر شد. براساس

پژوهشی که جانیس مونتی بلکاوی انجام داد، رسانه‌های آمریکایی پس از جنگ سال ۱۹۶۷م، سرکردگان اسرائیل را به عنوان قهرمانان اسطوره‌ای توصیف می‌کنند و در مقابل از هیچ یک از رهبران عرب سخنی بر زبان نرانده و با آنها هیچ مصاحبه‌ای انجام نمی‌دادند. آنها اسرائیلی‌ها را قربانیانی معرفی می‌کردند که از خودشان بر ضد حملات متجاوزان عرب دفاع می‌کنند.((https://www.fardanews.com

همانطور که اشاره شد صهیونیست ها نفوذ شان را تنها به آمریکا محدود نکردند بلکه در بسیاری از کشورها و دولت های غربی نفوذشان بسط و توسعه دادند. به عنوان نمونه: برنارد لوئیس که رئیس مرکز پژوهش‌های شرقی دانشگاه لندن است.یک یهودی تمام عیار می‌باشد که این مرکز مهم توسط وی که یک یهودی است اداره و مدیریت می‌گردد. درحالیکه اکثریت مردم، دانشگاهیان و دانشمندان کشور انگلستان مسیحی هستند. این مرکز مجله‌ی تحت عنوان:مجلهٔ دراسات الشرقیه، نشر می‌کند که غالب نویسندگان آن یهودی است به حدی که این نشریه معروف به نشریه دانشگاه عبری در میان مخاطبان گردیده است. (الطيباوي، ترجمه: قاسم السامرايي، المستشرقون الناطقون بالانجليزيه، ۱۴۱۱ق، ۱۹۹۱م: ص۱۲۷).

۷،۳،۳. معرفی چندتن از بارزترین مستشرقان استعماری

۱،۷،۳،۳. توماس ادوارد لورانس''

وی زاده ۱۶ اوت سال۱۸۸۸ میلادی متوفی۱۹ مه ۱۹۳۵م، باستان‌شناس، افسر نظامی، دیپلمات و نویسنده بریتانیایی بود. این شرق شناس که از آن باعنوان پادشاه بی‌تاج عرب یاد می-شود طی جنگ جهانی اول به عنوان رایزن نظامی انگلستان برای امیران محلی عرب حجاز کار می‌کرد. حجاز در آن زمان جزء قلمرو امپراطوری ترک‌های عثمانی بود. امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول متحد آلمان بود به همین دلیل دشمن انگلستان محسوب می‌شد. در این دوران، پادشاهی و امارت حجاز در دست شریف حسین بود و سرهنگ «لورنس» نماینده دولت انگلیس در دربار وی بود. (پرویز شاکري، سفرنامه حاج ایازخان قشقایي، ۱۳۸۸ش). وی در حدی در میان اعراب و خاندان شریف حسین نفوذ پیدا کرده بود که به آن پادشاه بی تاج عرب

می‌گفتند. این شخص که در واقع یک زاده نامشروع بوده است با نزدیک شدن بیش از حد به شریف حسین فرد مورد اعتماد مردم حجاز، آن را برای شورش و قیام علیه دولت عثمانی تحریک و تشویق می‌کرد که در نهایت به این کارش موفق گشت و تشویقات آن موجب شد که سراسر جزیرۀ العرب و حجاز باشورش و انقلاب مواجه گردد و در نتیجه بعد از جنگ جهانی اول امپراتوری عظیم عثمانی از هم پاشید. لورانس پس از اتمام جنگ جهانی اول و کامیابی در تجزیه امپراتوری بزرگ عثمانی به انگلیس برگشت و مشغول تدوین و تدریس مشاهدات، آگاهی‌ها و تجربیات بی بدیل خود از سرزمین های عربی و اسلامی به دیگر افراد کادر استعمار انگلیس گردید. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۰۶).

۲,۷,۳,۳. کارل هاینریش بکر[۱۲] آلمانی، عامل استعمار آلمان در آفریقا و مؤسس مجلۀ الاسلام

کارل هاینریش بکر، اسلام شناس و دولتمرد آلمانی در سال ۱۸۷۶ در آمستردام به دنیا آمد. تحصیلاتش را در الهیات، تاریخ فرهنگ و ادبیات در فرانگفورت و سپس در لوزان، هایدلبرگ و برلین گذراند. در سال ۱۸۹۹، در هایدلبرگ به دریافت درجه دکتری نایل آمد. بکر همزمان در دو عرصه علم و سیاست حضور فعال داشت. در عرصه علمی عمده علاقه و تحقیقات او در زمینه تاریخ ادیان بود و در این مسیر، تحقیق درباره اسلام و شرق شناسی مورد توجه او قرار گرفت. پس از اتمام تحصیلات، سفرهای او به نقاط مختلف، از جمله سرزمینهای اسلامی، این علاقه را در او تقویت کرد. در سفری به اسپانیا (۱۹۰۰م) از شهرهای قرطبه، اشبیلیه، غَرناطه ورُنْده دیدن کرد و در کتابخانه اسکوریال به بررسی نسخه‌های خطی آثار اسلامی پرداخت. (http://wikifeqh.ir) در سال ۱۹۰۱م، به قاهره رفت و پس از دیدار با مفتی اعظم محمد عبده، در آن‌جا به تکمیل زبان عربی خود اقدام نمود. آنگاه به سودان رفت و در بازگشت به کشورش از فلسطین، سوریه، ترکیه، استانبول و یونان نیز دیدن کرد. بکر خاطرات این سفرها را در سخنرانی-های اواخر زندگی خود بتفصیل بیان کرده است. او در سال ۱۹۰۲م، به استادی دانشگاه هایدلبرگ و در سال ۱۹۰۷م، به ریاست «مؤسسه مطالعات استعماری هامبورگ» برگزیده شد، که نخستین گام او در ورود به این عرصه ها بود. (بدوي، موسوعه المستشرقون، ۱۹۸۴م: ج۱،

ص۳). او با پذیرش مسئولیت این مؤسسه و با آگاهی از اوضاع سیاسی و اقتصادی آن زمان و مسائل اجتماعی و دینی ملتهای مسلمان، به تحقیق درباره مشکلات عملی در اداره و قانونگذاری کشورهای اسلامیِ تحت سلطه آلمان پرداخت، و این امر زمینه بسیاری از تحقیقات بعدی او را فراهم آورد. (بدوي، موسوعه المستشرقون، ۱۹۸۴م: ج۱، ص۷۳). بکر مجله معروف مجله الاسلام را در ۱۳۲۸ه ق و ۱۹۱۰م بنیان نهاد و تا هنگام مرگ خود مسئولیت آن را بر عهده داشت. انتشار این مجله که از مجلات مهم در مطالعات اسلامی غرب است، تاکنون ادامه یافته است. (عقيقي، المستشرقون، ۱۹۸۰م: ج۲، ص۴۱۸). در سال ۱۹۱۳م، به دستیاری هلموت ریتر، «سمینار تاریخ و فرهنگ شرق» را در دانشگاه بن برگزار کرد و در پاییز همان سال برای تدریس از هامبورگ به بُن رفت. (شفاء، جهان ایران شناسي، ۱۳۴۸ش: ج۱، ص۱۵۰).

۳,۷,۳,۳. انگلس جاسوس آمریکا و اولین مستشرق در مصر

در سال ۱۸۲۳م، جاسوس سری وزارت خارجه آمریکا از جانب آدامز رئیس این وزارت خانه، ماموریت یافت به مصر عزیمت نموده و باتظاهر به اسلام خودش را در نیروهای ارتش والی مصر محمدعلی، وارد نماید وی با شگردهای خاص خود تلاش کرد تا با مقامات محلی مصر رابطه برقرار نماید، که در این کار مهم موفق شد و ماموریت خود را به خوبی انجام داد و رئیس جمهور وقت آمریکا جانسون این شخص را در رأس هیئت عالی رتبه سیاسی به همراه تعداد زیادی از تاجران مواد مخدر به استانبول ترکیه مرکز امپراطوری عثمانی فرستاد و در هفتم ماه می ۱۸۳۰م، اولین قرار داد تجارت مواد مخدر و قرار داد روابط دیپلماسی میان امپراتوری عثمانی و آمریکا با تلاش این جاسوس بسته شد و مجوز رسمی حضور آمریکا در سرزمین های اسلامی صادر گردید. (فيومي، الاستشرق رساله استعمار تطور السراع الغربي مع الاسلام، ۱۴۱۳ق، ۱۹۹۳م: ص۱۲۱).

۴,۷,۳,۳. اسنوک هرگرونیه، جاسوس هلندی یا عبدالغفار اعزامی به حج(۱۸۵۷-۱۹۳۶).

«کریستین اسنوک هورگرون»روزنامه نگار، محقق و شرق شناس هلندی که در سال ۱۸۸۴م، به سرزمین وحی سفر کرد قدیمی‌ترین عکس‌ها از خانه خدا و سرزمین وحی را عکاسی کرده

است. او تحصیل کرده رشته الهیات در دانشگاه «لیدن» تا درجه دکتری است، وی علاقمند به فرهنگ اسلام و مسلط به زبان عربی بود که با نوشتن رسالهٔ موسم حج در مکه، درجه دکتری خود را دریافت نمود. علاقه و کنجکاوی او درباره فرهنگ اسلام باعث شد وی از سال ۱۸۸۴م، از طریق دولت عثمانی به عربستان سفر کند و به مشاهده و تحقیق در زمینه دین اسلام بپردازد. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۱۰). با این حال بسیاری از محققین وی را مامور و جاسوس دولت استعماری هلند می‌دانستند.که مدت شش ماه با نام مستعار عبدالغفار در سرزمین حجاز زیست و فعالیت نمود و فعالیت‌های وی در عربستان پس از مدتی با حساسیت مواجه شد و پس از چندی به اتهام سرقت آثار باستانی و تاریخی تحت پیگرد قرار گرفت و مجبور به ترک عربستان شد. مجموعه عکس‌ها و صداهای ضبط شده از سفر وی به شهر مکه اکنون در کتابخانه دانشگاه لیدن هلند نگهداری می‌شود و تعدادی از آنها در فضای مجازی منتشر شده است. عکس‌های مجموعه مصور او از سرزمین وحی شامل حرکت کاروان-های زیارتی به سمت خانه خدا، پرتره زائران و نماهایی از خانه خدا است. ((https://www.seratnews.com

۵,۷,۳,۳. دی ساسی مستشرق فرانسوی و مترجم بیانیه های وزارت جنگ

دی ساسی در سال۱۸۰۵م کارمند رسمی وزارت خارجه فرانسه بود و ماموریت های از طرف وزیر جنگ فرانسه در زمان حمله آنان به الجزایر به او محول شد. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۱۱). وی یکی از موفق ترین شرق شناس در راستای استعمار کشورهای اسلامی است که مشورت‌های وی در جهت اشغال و استعمار سرزمین پهناور اسلامی الجزایر برای حاکمان و دولت مردان فرانسه استعمارگر و اشغال گر بسیار موثر و راهگشا بوده است.

۶,۷,۳,۳. ماسینیون فرانسوی،[۱۳] مختصص شیعه شناسی و حلاج شناسی(۱۸۸۳-۱۹۶۲)

ماسینیون فرانسوی، متخصص شیعه شناسی، ابتداء به انگیزه های سیاسی و استعماری وارد دنیای اسلام شده و به باستان شناسی مشرق زمین در کشور عراق مشغول شد این فرد ابتداء به

انگیزه و هدف تحقیق در باستانی شناسی عراق به این کشور عزیمت نمود و بعد از کشفیات زیاد از جلمه کاخ اخضر، مجموعه اطلاعات خود را با عنوان هیئت باستان شناسی در عراق در دو جلد منتشر کرد. اما طبق نظری نهایی که درباره ایشان گفته شده است ایشان تحت تاثیر فرهنگ اسلامی و شیعی قرار گرفته بود و متنی با عنوان: خشم شیرزن که در مورد حضرت فاطمه زهرا(س) نوشت، که شاگرد ایشان دکتر شریعتی آن را تحت عنوان: فاطمه فاطمه است به فارسی ترجمه نموده است. (http://www.meshkinsalam.ir) ماسینیون در آن نوشته خود درباره شخصیت فاطمه زهرا(س) می نویسد: این زن، نمونه اعلاي تربیت شدگان مستقیم محضر و مکتب محمد(ص) بوده است. مادر او نیز درصدر برجسته ترین و درخشان ترین چهره هاي تأثیر پذیرفته از محمد(ص) قرار داشته است. دختران او نیز چنین بوده اند. آنها در علم و کمال، مدیریّت و عقلانیّت، عشق و مبارزه، مسئولیت اجتماعي و هنرمندي، سخنوري و شجاعت داراي والاترین جایگاه بوده اند. بنابراین احتمال زیاد وجود دارد که ایشان در نهایت از دسته ی شرق شناسان و اسلام شناسانی حساب گردد که تسلیم حقیقت گردیده و مسلمان شیعه شده باشد.

۸،۳،۳. اعترافات مهم برخی از اندیشمندان غرب

بد نیست در پایان به برخی از اعترافات مهم بعضی از دانشمندان و متفکران مغرب نسبت به برتری و با سابقه بودن تاریخ، تمدن و فرهنگ مشرق زمین خصوصا تمدن و فرهنگ اسلامی اشاره گردد تا نشان داده شود که سرمایه های تمدنی و فرهنگی مشرق زمین خصوصا مسلمانان خمیرمایه خیلی از تمدن ها و فرهنگ های ملل دیگر بوده و در راه توسعه و رشد فرهنگی و تمدنی بشر خدمات ارزنده ای ارائه داده است.

۱،۸،۳،۳. اعتراف مهم ویل دورانت تاریخ نویس برجسته غربی

ویل دورانت از جمله کسانی است که به اقدمیت و مبدئیت و جلوداري تمدن شرقی نسبت به تمدن های دیگر اعتراف نموده، آنجا که در مقدمه کتابش دلیل شروع کتاب تاریخ تمدن را از تدوین و نوشتن تمدن شرق، قدمت این تمدن بیان می دارد و چنین اعتراف می‌کند: اگر داستان ما از شرق آغاز می شود، نه تنها از آن رو است که آسیا قدیمی ترین نمایشگاه مدنیت است، بلکه از

آن جهت است که این تمدنهاي آسیا به منزله خمیر مایه و شالوده فرهنگ یونان و روم هم هستند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، بي تا: ج۱، مقدمه مولف).

۲،۸،۳،۳. اعتراف مهم دی لاسی اولیری

یکی دیگر از مستشرقینی که شکوفای تمدن اسلامی او را مسحور و مجذوب خود نموده است، دی لاسی اولیری است، این مستشرق در یکی از بیانات شان در عظمت تمدن اسلامی می گوید: در قرن دوازدهم و سیزدهم دانشگاه اسلامی قرطبه اندلس قبله دان مردم عالم در جهان شده بود. (زمانی، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، ۱۳۸۵ش: ص۲۴۱).

نتیجه گیری

در جمع‌بندی از مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که مستشرقان را نمی توان در صف واحد بگذاریم و نسبت به همه آنان قضاوت برابر داشته باشیم، بلکه باید مستشرقان را در گروه ها و دسته های مناسب با اهداف و مقاصدشان دسته بنده کنیم و نسبت به هرگروه از آن‌ها قضاوت مخصوص همان گروه و دسته را صادر نمایم زیرا مستشرقان در مواجهه با اسلام و قرآن و نیز در استشراق و فعالیت های شرق شناسی و اسلام شناسی مقاصد و هدف‌های متنوع و مختلف را دنبال کرده و با انگیزه های مختلف به استشراق و شرق شناسی روی آورده اند. که بادقت و امعان نظر به نوع اظهار نظرها، آثار و تألیفات و نیز انگیزه‌های مستشرقان و همین‌طور مشاغل و منابع مالی و حامیان آنان می‌توان گفت که همه‌ای جریان‌های استشراق در درون سه مکتب و سه دسته کلی و عام: استشراق و مستشرقان دینی- تبشیری، استشراق و مستشرقان سیاسی-استعماری و دسته سوم مستشرقان علمی- حقیقت جویانه قرار دارد و نحوه مواجهه و برخورد آنان با شرقیان، اسلام و مسلمانان و کتاب دیني مسلمانان(قرآن) نیز متفاوت و متناسب با اوضاع حاکم و شرایط بوده است. در برههٔ تاریخی صدر اسلام و اوج تمدن اسلامی مستشرقان و غربیان نحوه مواجهه شان در برابر اسلام و مسلمان بیشتر دینی-تبشیری با رویکرد انفعال و خمودگی بوده و در مقطع دیگر از تاریخ نحوه مواجه آنان حالت تهاجمی- دفاعی به خود گرفته و مواجهه شان علاوه بر جنبه دینی- تبشیری از جنبه سیاسی نیز برخوردار بوده اند.

تا اینکه در دوره بعد از رنسانس و شکل گیری زندگی صنعتی و دست یابی غربیان به تکنولوژی مدرن و تولید ماشین‌های بخار و پیشرفت چشمگیر علوم تجربی و تقویت اقتصاد و پیشرفته شدن ابرازهای جنگی غربیان از یک سو، و از سوی دیگر انحطاط، عقب ماندگی و ضعف روز افزون کشورهای اسلامی و ملل شرقی، غرب و در راس آنان مستشرقان را به طمع انداخته رویکرد دفاعی، انفعال و تاثیر پذیری را کنار نهاده و به تهاجم همه جانبه، لشکرکشی و استعمار سرزمین‌ها و کشورهای شرقی و اسلامی روی می‌آورند و از این پس نحوه مواجهه شان همواره نگاه از بالا به پائین نسبت به شرقیان و ملل مسلمان بوده و این رویه و روش تا کنون نیز با کمال تاسف ادامه دارد بگونه ای که بسیاری از حاکمان کشورهای اسلامی حتی در عصر پس از استعمار، همچنان به وابستگی و ذلت در برابر زیاده خواهی های کشورهای غربی تن داده و به استعمار مدرن از جانب غربیان رضایت داده اند.

پی‌نوشت‌ها

.....

[1]. جنگ‌های صلیبی به سلسله‌ای از جنگ های مذهبی گفته می‌شود که به دعوت پاپ توسط شاهان و نجبای اروپایی داوطلب برای بازپس گیری سرزمین های مقدس از دست مسلمانان از سال۱۰۹۵ شروع شد و تا سال۱۲۹۱میلادی برابر با۴۸۸ تا۶۹۰ه ق، برافروخته بود. این جنگ‌ها اگر چه با پیروزی سیاسی و نظامی مسلمانان به پایان رسید و مسلمانان توانستند سرزمین‌های خود را حفظ کنند ، اما اروپاییان نیز از آن، بهره های اقتصادی، تمدنی و فرهنگی فراوان بردند. زیرا جنگ‌های صلیبی موجب آشنایی اروپاییان با مشرق زمین و بخصوص تمدن با شکوه اسلامی شد. آنان از این تمدن و دانش مسلمانان بهره های بسیار گرفتند.

[2]. این جنگ ها به دعوت مقامات «کلیسای کاتولیک رومی» و همراهی و حمایت امپراتور «روم شرقی»، با اعلام هدف آزادسازی بیت المقدّس(اورشلیم) و زادگاه حضرت مسیح(ع) ودیگر معالم مسیحی در فلسطین از دست مسلمانان و ایجاد دولت‌های صلیبی در نقاط مختلف فلسطین صورت گرفت. جنگ های صلیبی مجموعاً هشت بار به وقوع پیوست. https://hawzah.net/fa/Magazine/

[3]. «پطرس» انگیزه اصلی خویش را از ترجمه قرآن کریم چنین بیان می‌کند: آیین اسلام و کتاب قرآن یک «بدعت» در دین مسیحیت، بلکه شدیدترین و خطرناک‌ترین نوع آن است که باید محو شود. اگر از من بپرسند که این ترجمه قرآن هیچ ضرورتی ندارد زیرا اسلام و مسلمانان هیچ آسیبی از این ناحیه نمی‌خورند، پاسخ خواهم داد

که گرچه ممکن است از این طریق نتوانیم مسلمانان را به دین مسیحیت برگردانیم، حدّاقل علمای مسیحیت می‌توانند با کشف و تبیین نقاط ضعف قرآن، ایمان پیروان مسیحیت را در برابر تبلیغ و دعوت اسلام واکسینه کنند تا جذبه‌های ناچیز قرآن عقیدهٔ آنان را تغییر ندهد.

[۴]. گوته، یکی از اندیشمندان مغرب زمین در مورد قرآن کریم می گوید: اگرچه ما همواره از قرآن روی بر می‌گردانیم و در همان مرحله اول اظهار تنفر می‌نماییم، اما خیلی زود ما را به سوی خود جذب و شگفت‌زده می‌کند و در نهایت ما را وا می‌دارد که در مقابل آن سر تعظیم و احترام فرود آوریم سبک و اسلوب قرآن و هماهنگی و توافق آن با محتوا و هدفش محکم و استوار، بسیار عالی و باشکوه، با هیبت و دارای رفعتی حقیقی و ابدی است... ، از این رو این کتاب در تمام زمان‌ها تأثیری نیرومند به جای می‌گذارد. وی درجایی دیگر می‌گوید: قرآن اثری است که خواننده در آغاز (احیانا) به واسطه سنگینی عبارتش رمیده می‌شود، ولی سپس شیفته جاذبه آن می‌گردد و سرانجام بی‌اختیار مجذوب زیبایی‌های متعددش می‌شود.

[۵]. برخی از این اندیشمندان به خاطر مضامین بلند قرآن، به وحیانی بودن قرآن اعتقاد پیدا نموده و از اعتقادات اولیه خود که قرآن را کتابی بر ساخته ذهن پیامبر(ص) می‌دانستند به کلی برگشته و به صداقت پیامبر، معتقد شده‌اند.

[۶]. محمد حسن زمانی، مولف کتاب شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، در صفحات۱۶۸تا۱۷۸ کتاب، به نام نزدیک به ۲۰۰ نفر از مستشرقان و دانمشمندان اشاره نموده است که بعد از تحقیقات و پژوهش های زیاد مسلمان شده و در برابر قرآن سر تعظیم فرود آورده اند.

[۷]. از جمله آنان، ادوار سعید فلسطینی تبار آمریکایی است، با آنکه خود از پیروان مسیحیت است اما در مورد معرفی اسلام و مقدسات اسلامی منصفانه قلم زده و با کمال احترام و ادب از مقدسات اسلامی یاد نموده و برخورد می کند. با آنکه خود مسیحی بود، برای اسلام همان اندازه احترام قائل بود که مسلمانان قائلند.

[۸]. Said Edward

[۹]. لپانتو نام ایتالیایی (ناوپاکتوس) است که بندری است در غرب یونان. در سال۱۵۷۱ میلادی ناوگان عثمانی در آن محل از ناوگان مشترک از مسیحیان شکست خورد.

[۱۰]. ویلیام مونتگمری وات) به انگلیسی (William Montgomery Watt) ۱۴ مارس ۱۹۰۹ – ۲۴ اکتبر ۲۰۰۶ (استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند بود. مونتگمری وات برجسته‌ترین مفسر غیرمسلمان اسلام در غرب به حساب می‌آمد، و تأثیر عظیمی در رشته مطالعات اسلامی بر جای نهاد. ویلیام مونتگمری وات اسلام شناس معاصر و استاد بازنشسته مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه ادینبورگ، در سال ۱۹۰۹ میلادی در اسکاتلند متولد شد و تحصیلات خود را تا دوره دکترای فلسفه پی گرفت و رساله دکترایش را درباره «جبر و اختیار در آغاز اسلام» گذرانید. وی مدت چهار سال به تدریس

فلسفه در دانشگاه اشتغال داشت. وی سپس به مطالعات بیشتری درباره اسلام گرایید و به عنوان یکی از دستیاران اسقف آنگلیکن (وابسته به کلیسای پروتستان انگلیس) در بیت المقدس به پژوهش پرداخت . مونتگمری وات در سال ۱۹۴۷ به سمت «رئیس بخش مطالعات عربی و اسلامی » در دانشگاه ادینبورگ برگزیده شد و سالها این سمت را حفظ کرد و در اوایل دهه ۱۹۸۰ به بازنشستگی نایل آمد. از مونتگمری وات آثار متعددی بر محور «اسلام شناسی » باقی مانده است که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. [حضرت] محمد (ص) در مکه) ۱۹۵۳[Muhammad at Mecca]

۲. [حضرت] محمد (ص) در مدینه) ۱۹۵۶ [Muhammad at Medina]

۳. [حضرت] محمد، پیامبر و سیاستمدار) ۱۹۶۴ [Muhammad: Prophet and Statesman]

۴. برخورد اسلام و مسیحیت (۱۹۹۱)(این کتاب در سال ۱۳۷۳ توسط آقای محمدحسین مخبر ترجمه و [Muslim – Christian Encounter] از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است.

[۱۱]. Thomas Edward Lawrence

[۱۲]. Carl Heinrich Becker

[۱۳]. Louis Massignon

کتابنامه

الف: منابع فارسي

آریا محمدحسین، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان تفاهمات و سوء تفاهمات، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.

ادوارد سعید، **شرق شناسی**، ترجمه لطف علی گنجی، تهران، ناشر: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.

بدوی عبدالرحمن، **فرهنگ کامل خاورشناسان**، ترجمه: شکرالله خاکرند، قم ایران، ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.

بهی محمد، **اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب**، مترجم: سید حسین سیدی، بی جا، ناشر: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش.

زمانی محمد حسن، **شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان**، قم، ناشر: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.

دانش نامه آزاد، **ویکی پدیا**، پیرامون: کلمه شرق.

شاکری پرویز، **سفرنامه حاج ایاز قشقایي**، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش.

شفا شجاع الدین، **جهان ایران شناسی**، (تهران ۱۳۴۸ ش)، بي نا، بي تا،.

عمید حسن، **فرهنگ فارسی دو جلدی عمید**، تهران، ناشر: انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۶ش.

مردانی خیرالله، **اعترافات دانشمندان بزرگ جهان**، تهران، ناشر: انتشارات آئین جعفری، چاپ اول، ۱۴۰۲ه ق.

معین محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ریشه کلمه: شرق.

ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد اول، مقدمه مولف.

مقالات:

آرکون محمد، مقاله: **نگرش‌های انتقادی معاصر و قرآن**، ترجمه: محمدجواد اسکندرلو، مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، شماره۳، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

چمنکار محمد جعفر، مقاله: دکترین نکسون و ژاندارم خلیج فارس، فصلنامه، زمانه، ۱۳۸۵، شماره، ۵۲.

مجله اسلام و غرب اسفند ۱۳۷۷، شماره ۱۹.

ب: منابع عربي

الطیباوی عبدالطیف، ترجمه: قاسم السامرایی، **المستشرقون الناطقون بالانجلیزیه**، عربستان، ناشر: ادارة الثقافه و النشر الجامعه الامام محمدبن سعود الاسلامیه، ۱۴۱۱ق، ۱۹۹۱م.

النبهان محمدفاروق، **الاستشراق تعریفه مدارسه آثاره**، المملکة الغربیة، ناشر: منشورات المنظمة الاسلامیة للتربیة و العلوم و الثقافة، ایسیسکو، ۱۴۳۳ه، ۲۰۱۲م.

الخربوطلی علی حسنی، **المستشرقون و التاریخ الاسلامی**، مصر، ناشر: الهیئة المصربه العامه لکتاب، ۱۹۸۸م.

بدوی عبدالرحمان، **موسوعة المستشرقین**، بیروت، اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۵۴، ۱۲اسفند۱۳۱۰ش، ۱۹۸۴م.

رضوان، عمر بن ابراهیم، **آرآء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره**، مدینه المنوره، ناشر: دار الطیبه، بی تا.

عقیقی نجیب، **المستشرقون**، مصر، ناشر: دارالمعارف، ۱۹۶۴م.

غزالی محمد، **دفاع عن العقیده و الشریعة ضد مطاعن المستشرقین**، مصر ناشر: نهضة المصر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ هفتم، ۲۰۰۵م.

فوک یوهان، **تاریخ حرکة الاستشراق**، مترجم: عمر لطیف العالم، بیروت، ناشر: دارالمدار السلامی، چاپ دوم، ۲۰۰۱م.

فیومی محمد ابراهیم، **الاستشراق رسالة استعمار تطور الصراع الغربی مع الاسلام**، بیروت، ناشر: دار الفکر العربی، ۱۴۱۳ه ۱۹۹۳م.

مالک بن نبی، **انتاج المستشرقین**، بیروت لبنان، ناشر: انتشارات دار الارشاد، چاپ اول، ۱۳۸۸ه-۱۹۶۹م.

ج: منابع لاتین

Oxford. Advanced learner's Dictionary- p818. 1999.

Webster's Encyclopedia unabridged Dictionary of the English Languqge. P. 1010.

د: سایت ها

https://www.seratnews.com

http://wikifeqh.ir

https://www.fardanews.com

https://parsiandej.ir

https://hawzah.net/fa/Magazine/

http://www.meshkinsalam.ir

http://www.sefidshahrmf.ir